

دروغ سیزده از کجا آمده است؟

کج شدن برج میلاد»، «پس فرستادن کوه نور توسط ملکه انگلیس» یا اخبار فوت چهره‌های سرشناس، دروغ‌هایی هستند

...



«کج شدن برج میلاد»، «پس فرستادن کوه نور توسط ملکه انگلیس» یا اخبار فوت چهره‌های سرشناس، دروغ‌هایی هستند که در یک روز یعنی صبح سیزدهم فروردین شکل گرفتند و پایان همان روز عمرشان به سر آمد؛ شایعه‌هایی که به «دروغ سیزده» معروفند. اما این باور عامیانه از کجا آمده است؟

موضوع‌های مورد بررسی فولکلور و فرهنگ عامه بسیار متنوعند و نوروز و سیزده به در یکی از آنها محسوب می‌شود. در واقع باورهای عامیانه، جلوه‌ای از فرهنگ عامه یا فولکلور است. عقاید و باورهای انسان‌ها، درست و نادرست، علمی و خرافه، تازه و کهنه، تلخ یا شیرین، زشت یا زیبا، خنده‌دار یا ملال‌انگیز، همه و همه ریشه در فرهنگ چند هزار ساله یک تمدن دارد که به مرور زمان یا به همان شیوه اولیه باقی مانده یا دستخوش تغییراتی شده است.

با اینکه عامه مردم دروغ سیزده را باور کرده‌اند و دیگران را با آن در یک روز سرگرم می‌کنند اما در بیشتر کتاب‌هایی که به موضوع آداب و رسوم جشن‌های ایرانی یا فرهنگ عامیانه می‌پردازند، به پدیده‌ای تحت عنوان دروغ سیزده اشاره‌ای نشده است و به نظر می‌رسد این امر مثل بسیاری از موارد دیگر، یک فرهنگ وارداتی باشد.

با توجه به اسناد تاریخی موجود، ایرانیان همیشه از دروغ گفتن منع شده‌اند. کهن‌ترین اثر منثور یا لوح درباره دروغ مربوط به دعای کوروش کبیر در تخت جمشید است که به خط میخی و به این معنا برای ما باقی مانده است: «خداوند این کشور را از دشمن، خشکسالی و دروغ محفوظ دارد».

در بخش‌های گوناگون شاهنامه هم ابیاتی در نکوهش دروغ وجود دارد از جمله خسرو انوشیروان در آغاز پادشاهی خود اعلام می‌کند: «اگر جفت شود زبان بر دروغ / نگیرد ز بخت سپهری فروغ / سخن کژ ز بیچارگی است / به بیچارگان بر نباید گریست».

در کتاب باورهای عامیانه مردم ایران نوشته دکتر حسن ذوالفقاری با همکاری علی اکبر شیری نوشته شده است: «در فرهنگ عامه، هر گاه کسی حرف کذبی یا کفری بر زبان جاری کند باید استغفار کند و خط بینی بکشد، به این شکل که انگشت اشاره اش را بر زمین پر خاک، سپس روی بینی اش می‌کشد و اگر کسی به دروغ به یکی از اسمای مقدس یاد کند و بلایی بر او نازل نگردد، می‌گویند از خدا برگشته است. همچنین زنی که باردار است نباید حسد ورزد یا دروغ بگوید چون در دوران بارداری این اعمال زشت باعث می‌شود که روزی و نعمت خداوند از او دور شود.»

همچنین آمده است: «زمانی که شخص رنگرز موفق به ساخت رنگ مورد نظرش نشود، می‌گویند «خُم رنگریز و رگشته» و اگر دروغ بزرگ و باورنکردنی در شهر شایع شود وضع به حالت عادی برمی‌گردد.»

برخی جامعه‌شناسان، دروغ سیزده را زیرگروه جامعه‌شناسی شایعه می‌دانند. از نظر برخی تحلیل‌گران رویکرد روان‌شناختی شایعه (آلپورت و پستمن) عوامل گوناگونی موجب شکل‌گیری رواج شایعه می‌شوند که تمایل برای رفع ابهام، یکی از آنهاست. از موافقان با دیدگاه آلپورت و پستمن می‌توان به میلر، رابرت رنپ، فورستر و اجکا اشاره کرد. آنان هم معتقدند وجود ابهام (فقدان اطلاعات) در مورد موضوعات مهم در بین گروه‌های متجانس مثل مردم یک شهر، یک یگان نظامی و ... موجب رواج سریع شایعات می‌شود.

گفته می‌شود سه عامل اصلی در فرآیند شکل‌گیری شایعه وجود دارد: شایعه غالباً از طریق صحبت‌ها و مکالمات شخصی افراد منتقل می‌شود بدون اینکه این امر نیازمند دلیل و برهان باشد. شایعه عمدتاً مربوط به وقایع و رویدادهای مهم، اشخاص مشهور، مسئولان، مردم، سازمان‌ها و نهادهای مهم است. شایعه خبری است که در نتیجه مباحثات گروهی به صورت بازسازی شده‌ای در آمده است.

دکتر محمدباقر تاج‌الدین - جامعه‌شناس و استاد دانشگاه - معتقد است: «درباره وقوع شایعه در جامعه ایران هنوز پژوهش‌های دقیق و علمی‌ای صورت نگرفته است و هرگونه اظهار نظر در این زمینه صرفاً در حد برخی پیش‌فرض‌ها و محصول برخی تأملات مربوط به هر رشته علمی بوده و برای اظهار نظر دقیق‌تر ضرورت دارد که پژوهش‌های جدی‌تری صورت بگیرد. شایعه و شایعه

پراکنی تقریباً در تمامی جوامع وجود دارد و نمی توان آن را خاص برخی جوامع دانست اما می توان گفت که شایعه در برخی جوامع بیشتر از سایر جوامع رواج دارد و این موضوع به شرایط روانی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آن جوامع بستگی دارد. نکته مهم در این زمینه این است که برخلاف تصور معمول و رایجی که وجود دارد شایعه را فقط افراد نمی سازند بلکه در موارد زیادی مشاهده شده که برخی گروه ها، سازمان ها، نهادها، بنگاه های اقتصادی و حتی دولت ها با اهداف خاصی شایعه پراکنی می کنند. باید بررسی و واکاوی کرد مشکل کجاست که تا این حد و اندازه شایعه های گوناگون در ایران رواج می یابد و میلیون ها نفر را درگیر می کند و ذهن و روان آدمیان را مورد تاخت و تاز قرار می دهد و صد البته عواقب بسیار جبران ناپذیری را هم به همراه دارد.»

او برخی دلایل بروز و رواج شایعه در جامعه را به صورت فهرست وار این چنین بیان می کند: «سنخ روانی ایرانیان به گونه ای است که عموماً عادت به بزرگ نمایی برخی مسائل داشته و بر همین اساس به طور خودکار برخی شایعه ها را رواج می دهند. ایرانیان عموماً دارای روحیه دیونوسوسی هستند که محصول شادی، سرمستی، شور و هیجانات بوده و این روحیه را کم و بیش در طول تاریخ هم به نمایش گذاشته اند. چنین روحیه ای تا حدود زیادی از نظم، ترتیب و عقلانیت دوری می جوید و هر مطلبی را بدون تأمل و تعمق می پذیرد و کمتر آن را به محک خرد و عقل می سنجد. این گونه است که بارها و بارها در اماکن عمومی و سایر مکان ها مشاهده می شود که کسی مطلب بی پایه و اساسی را می گوید و بقیه هم بدون تأمل و تفکر آن را سریعاً می پذیرند و صد البته به دیگران هم منتقل می کنند و برخی مطالب نادرست و غلط در جامعه شیوع پیدا می کند. شرایط تاریخی یکی دیگر از این عوامل است. کشور ایران به دلایل تاریخی ای چون حملات و یورش های گسترده ای که به خود دیده و همچنین به دلیل اینکه در تاریخ گذشته خویش در ذیل حکومت های دیکتاتوری و استبدادی بوده لذا پنهان بودن بسیاری از امور در چنین حکومت هایی مستعد شایعه سازی و شایعه پراکنی بوده است و به گونه ای این مشکل فرهنگی و تاریخی همچنان در جامعه رواج دارد. از طرفی رواج شایعه در جامعه ایران نوعی التیام بخشی برای رنج ها و مشکلات است. چرا که عموماً نهادها و سازمان هایی برای پاسخگویی به انبوه مشکلات و مسائل وجود نداشته و حقیقتاً اگر پاسخگویی منطقی ای در این زمینه وجود داشته باشد، به احتمال زیاد برخی از این شایعه ها خود برطرف شده و زمینه بروز و ظهور نخواهند یافت. در بسیاری از مواقع بنا به برخی اقتضائات افراد، گروه ها و جناح ها برای حذف و شکست رقبا دست به شایعه سازی می زنند تا از این طریق بتوانند حریف را از میدان رقابت بیرون کنند و از این طریق به اهداف خاصشان دست یابند. در ایران نهادها و سازمان های دولتی و حتی غیردولتی، خود را کمتر موظف به پاسخگویی شفاف و منطقی دانسته و با این کار زمینه را برای بروز انواع و اقسام شایعات فراهم ساخته اند. به عبارت دیگر، پنهان کاری نهادها و سازمان ها یکی از مهم ترین دلایل بروز و ظهور شایعه در دنیای امروز است. همچنین در جامعه ایران افراد عموماً گرفتار فرهنگ شفاهی بوده و کمتر به دنبال ایجاد فرهنگ مکتوب هستند و اساساً فرهنگ شفاهی بر فرهنگ مکتوب غلبه دارد. به این معنا که ایرانیان عموماً مباحث شفاهی را بر مطالعه و تأمل و تحقیق ترجیح می دهند و این چنین فرهنگی بسیار زمینه را برای بروز و ظهور فرهنگ شایعه تقویت می کند.»

اما دروغ سیزده چه تأثیرات اجتماعی می تواند به همراه داشته باشد؟ دکتر فریده مجیدی - مردم شناس و جامعه شناس - در این باره به ایسنا می گوید: «به نظر می رسد تاریخ موضوع دروغ سیزده در ایران به بیش از شصت سال پیش می رسد که از سوی چند روزنامه نگار ایرانی رواج پیدا کرده است. آغاز ماه آوریل یک روز پیش از سیزده نوروز است و این هم زمانی، دست آویزی شد که در سیزده نوروز که ویژه جشن، شادی و نیایش برای باران و باروری زمین است، زیر نام شوخی سیزده با مردم و دیگر رسانه ها شوخی کنند و شماره سیزده فروردین سال ۱۳۲۲ شمسی یکی از روزنامه های آن زمان را یکپارچه به صورت دروغ درآوردند. مشابه مراسم دروغ سیزده که در روز سیزده به در همراه با شوخی و خنده از سوی دوستان و اعضای خانواده و نزدیکان انجام می گیرد، مراسم دروغ اول آوریل در برخی کشورهای اروپایی و همچنین اول ماه نیسان است که در ترکیه نیز انجام می گیرد. دروغ سیزده حالت شوخی دارد و در مبحث جامعه شناسی شایعه جا می گیرد. به عبارتی دروغ سیزده به در نوعی شایعه است که از روی شوخی یا قدرت شکل می گیرد.»

او خاصیت دروغ سیزده را مبهم بودن آن عنوان می کند: «وقتی دروغ سیزده به زبان آورده می شود، شنوندگان را دچار ابهام می کند و اگر سریع لو نرود، گوینده به نوعی امتیاز و قدرت می گیرد که توانسته شوخی را انجام دهد که دیگران به سرعت پی به صحت و سقم آن نبرند. البته تا قبل از پایان روز دیگران را در جریان شوخی بودن مطلب می گذارند. اگر دروغ سیزده ریشه ایرانی داشت حتما پژوهشگرانی که در زمینه فرهنگ عامه کار می کردند به آن می پرداختند اما اشاره ای به آن نشده و به احتمال زیاد یک فرهنگ وارداتی است.»

اما چرا دروغی مثل سیزده در یک جامعه شکل می گیرد و از آن استقبال می شود؟ این عضو هیئت علمی پژوهشکده مردم شناسی به این پرسش چنین پاسخ می دهد: «در واقع دروغ سیزده برخی از خصوصیات اخبار زرد را دارد و در عین حال تفاوت هایی هم با آن دارد. دروغ سیزده محدود به یک روز است و خیلی سریع ابهام زدایی می شود. از طرفی در فرهنگ شفاهی شکل می گیرد و در یک گروه خاص مطرح می شود و با اخبار زردی که مکتوب می شوند تفاوت دارد. این دروغ می تواند به صورت شوخی یا از موضع قدرت باشد. اگر فردی بتواند دروغی را مطرح کند که تا شب روشن نشود برای او نوعی پیروزی به همراه دارد

چون دروغ خوبی گفته است. اما اگر دروغی که فرد گفته زود لو برود به عبارتی فرد در کارش شکست خورده محسوب می شود چون نتوانسته کارش را خوب انجام دهد. ورود به سال نو یک مراسم گذار است یعنی وارد سالی می شویم که درباره اتفاقات پیش رو چیزی نمی دانیم و با اینکه این نو شدن جشن و شادی را به همراه دارد اما با نوعی اضطراب و استرس هم همراه است و حالت هیجانی را در افراد ایجاد می کند. دعاهاى ابتدای سال هم بیانگر همین موضوع است و همه آرزو می کنند سال جدید پر از دگرگونی و حال خوب باشد. به عقیده من شاید افراد سعی می کنند به وسیله یک دروغ، سایه نحس موضوع دیگری را از بین ببرند مثل روز سیزده به در که با دروغ همراه می شود تا نحسی روز سیزدهم را به وسیله آن از بین ببرند. شاید مسئله اشاعه فرهنگی در موضوع دروغ سیزده مطرح است و گفته می شود زمانی که شارل نهم هم می خواسته تقویم را از ماه آوریل به ژانویه تغییر دهد دروغ آوریل شکل گرفته. به احتمال زیاد این موضوع به فرهنگ های دیگر نیز سرایت کرده است.»

نحس بودن عدد سیزده یا روز سیزدهم فروردین هم یکی دیگر از باورهایی است که مردم عامه آن را به زبان می آورند و در بسیاری از منابع به آن اشاره شده است.

در کتاب باورهای عامیانه مردم ایران به نحس بوده عدد سیزده هم اشاره شده است: «سیزده را نحس می دانند و هنگام شمارش اعداد از ذکر سیزده خودداری می کنند و به جای سیزده می گویند یازده، دوازده، زیاده. برای رفع نحوست سیزده هنگام شمردن به جای سیزده می گویند زیاده و در پیمانان کردن خرمن هنگام رسیدن به اعداد نه تا سیزده آنها را تکرار نمی کنند و در عوض عدد ماقبل را دوبار می شمارند. چون اعتقاد دارند که این اعداد نحس هستند. روزهای سیزده ماه را نحس می دانند. همچنین روز سیزدهم فروردین جزو روزهای نحس آورده می شود و رسم دارند که صبح زود همین روز خانواده ها باید هرکدام مقداری آتش در پشت پلاس های خود روشن کنند تا نحسی این روز از بین برود.»

به نظر می رسد سیزده گریزی و ترس از آن مختص ایرانیان نیست و در فرهنگ های مختلف وجود دارد. اصطلاح یونانی «سیزده هراسی» نشانگر گستردگی و نفوذ این باور است. این باور آنقدر قوی است که بسیاری از هتل های بزرگ دنیا یا دوازده طبقه هستند یا اگر می خواهند بیشتر از دوازده طبقه باشند، نام طبقه سیزدهم را نمی برند چون بسیاری از مردم، ماندن در طبقه یا اتاق سیزدهم را نمی پذیرند. همچنین اغلب فرودگاه ها گیت سیزدهم ندارند.

درباره منشا ایجاد این باور اظهارنظرات زیادی شده است؛ از جمله آنکه می گویند چون یهودا که به حضرت عیسی (ع) خیانت کرد، سیزدهمین عضو بوده که در شام آخر حضور داشته است، پس از آن زمان سیزده نحس شده است.

البته سیزده در همه فرهنگ ها نحس نیست و در فرهنگ های باستانی چین و مصر نشانه شانس است. مصریان باستان فلسفه زندگی را طی کردن مراحل و رسیدن به تکامل معنوی می دانستند. این مسیر معنوی سیزده مرحله داشته که دوازده مرحله آن در این دنیا و مرحله سیزدهم آن در دنیای دیگر و پس از مرگ بوده است بنابراین شماره سیزده نماد مرگ شده است. اما مرگ نابودی و تباهی تلقی نمی شده، بلکه یک انتقال باشکوه و مطلوب بوده است. اکنون هر چند تمدن مصر از بین رفته، نماد مرگ برای سیزده باقی مانده و این عدد نشانه مرگ، ترس و نحسی شده است.

در قانون حمورابی که از زمان بابلی های باستان به جا مانده، قانون شماره سیزده وجود ندارد و بعد از قانون شماره دوازده، قانون شماره چهارده آمده است. معلوم نیست که چرا بابلی ها سیزده را تا این حد نحس دانسته اند. شاید علت آن از این امر ناشی می شود که در بیت سیزدهم سرود روحانی «ایبتر» که شعر حماسی بابلی هاست نام الهه مرگ آمده است که خوشایند نیست.

باورها عقاید پیشینیان در تمامی جنبه های زندگی از تولد تا مرگ بوده که گاهی خرافی و گاهی درستند. در مقابل باور قوی افراد، بسیاری هم دروغ سیزده یا نحس بودن این روز را خرافه می دانند و به آن اعتقادی ندارند.